



شرح ایام

دکتر عبدالرحیم گواهی

این زمان جان دامنم برتافته است

بوی پیراهان یوسف یافته است

کز برای عهد صحبت سالها

بازگو شمرسی از آن ایامها

در قرآن کریم متجاوز از هزار مرتبه از علم و عالم و دانایان سخن گفته شده است، تا حدی که در آیه ۷۹ سوره آل عمران مقام علمای حقیقی را با صفت «الهی بودن» (ربانین) می ستاید و می فرماید: «ولکن کونوا ربانین بما کنتم تعلمون الكتاب و بما کنتم تدرسون». در لسان حدیث و سخن شریف (ائمه هدی (ع) نیز آنچه در مورد فضیلت علم و علمای الهی گفته شده است قابل احصا نیست، به نحوی که از زبان رسول خدا (ص) می شنویم که: «اذا مات العالم سلم فی الاسلام ثلثة لایسدها شیئ». یعنی اینکه وقتی عالمی از امت اسلام فوت می شود، ثلثه و مصیبتی آن چنان سنگین بر اسلام وارد می گردد که هیچ چیز با آن برابری نمی کند. استاد علامه، فیلسوف بزرگوار، روحانی وارسته، فقیه اهل بیت، متفکر ارزشمند حضرت آیت الله محمدتقی جعفری (اعلی الله مقامه)، چنین انسان عالمی بود. او که از خردسالی شیفته درس و بحث علمی و دینی و کسب معارف عالیة اسلام عزیز و مکتب آسمانی وحی بود در عتفوان جوانی به نجف اشرف سفر کرد تا متجاوز از یک دهه از عمر شریف خویش را به فراگیری علوم و معارف قرآنی و نیز مطالعه و بررسی نوآوریهای علمی و فلسفی مغرب زمین سپری کند و سپس با درجه عالی اجتهاد از محضر زعیم فقیه جهان تشیع، حضرت آیت الله العظمی خوئی (ره)، و کوله باری از علم،

فلسفه، فقه و حکمت و عرفان، آینده درخشان تدریس و شانس مرجعیت در حوزه نجف را پشت سر گذارد و برای ادامه درس و تعلیم و تعلم، و خدمت به نسل جوان و روشنفکر میهن اسلامی، به آغوش میهن اسلامی بازگردد، و نه در قم و یا مشهد کانونهای فقه و علوم حوزوی و تربیت طلاب جوان، بلکه در تهران و در کنار دانشگاه بزرگ تهران و سایر مراکز جدید علمی با خیل عظیمی از دانشجویان و اساتید و دانشگاهیان تشنه علوم و معارف نوین، و بیان تفسیر جدیدی از دین و خدا باوری، که با یافته های جدید علمی شرق و غرب ناسازگار نباشد، رحل اقامت افکند.

از همین روی، از همان سالهای اول اقامت استاد در تهران، پای دانشجویان و دانشگاهیان به منزل معظم له باز شد و این حقیر که از ابتدای دهه هزار و سیصد و چهل شمسی خدمتشان آشنایی و حشر و نشر داشتم به کرات شاهد بودم که خیل عظیم شاگردان و مستمعین استاد را قشر جوان و دانشجو و تحصیل کردگان دانشگاهی تشکیل می دادند.

هر چند اینجانب توفیق آن را نداشته ام که از خرمن عظیم علوم و معارف الهی استاد ره توشه ای کافی برگیرم و لذا شاید در مقامی نباشم که بتوانم راجع به آن فقیه سعید سخنی مستوفی ارائه دهم، اما به مصداق «لایدرک کله، لایترک کله» و اینکه فرموده اند: آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید بتوان چشید، سعی خواهم کرد گوشه هایی از زندگینامه پرافتخار علمی و اخلاقی آن عزیز از دست رفته را خدمت عزیزان خواننده تقدیم دارم:



الف - اوصاف علمی

استاد علامه حضرت آیت‌الله جعفری از بُعد علمی دارای اوصاف ممتازی بودند که ذیلاً به چند مورد آنها اشاره می‌شود:

۱. شجاعت علمی - فقهی: مرحوم استاد جعفری در بیان عقاید و باورها و یافته‌های علمی، فلسفی و فقهی خویش بسیار شجاع و صریح بودند، به نحوی که از بیان نظریات جدید، هرچند در مواردی مخالف نظریات جا افتاده فقهی و یا علمی دانشگاهی، ابا نداشتند. نمونه این نظریات را در کتابهایی چون منابع فقه، وجدان، جبر و اختیار و شناخت معظم‌له می‌توان دید.

۲. بهره‌گیری از آخرین دستاوردهای علمی: استاد جعفری، با آشنایی نسبتاً کافی که با مکاتب جدید فلسفی، آرای جدید علمی در زمینه‌های فیزیک، شیمی، ریاضیات، منطق جدید، روان‌شناسی، علوم اجتماعی و غیره داشتند، همواره سعی می‌کردند اطلاعات خود را در این رشته‌ها روزآمد نگاه داشته و در طرح مباحث و دروس و سخنرانیهای خویش از آخرین دستاوردهای فکری - علمی بشر در این زمینه‌ها بهره‌جویند و شاید این یکی از رازهای محبوبیت و موفقیت ایشان در محیطهای دانشگاهی و روشنفکری بود.

۳. آزاداندیشی و تحمل آرای دیگران: مرحوم علامه جعفری، حین احترام عمیق به علوم و معارف اسلامی و مکتب اهل بیت(ع)، فردی به‌غایت آزاداندیش و اهل تسامح و تحمل آرای دیگران بود و هرگز عادت نداشت تا به‌هنگام تدریس و غیر آن، هیچ نظری و عقیده‌ای از جانب خود و یا مکتب اسلام را به دیگری تحمیل نماید. در درسها با کمال تواضع و فروتنی به

شبهات، ایرادات، و گاهی مخالفت‌های نظری مستمعین و شاگردان گوش می‌داد و مکرر می‌شد که یکی از حاضران را به‌جهت طرح یک نکته بدیع که خود ایشان در آن لحظه در ذهن نداشتند، می‌ستود و مورد تشویق قرار می‌داد.

۴. تقوای علمی و نقد مثبت آرای دیگران: تقوای علمی، معنای وسیع و متأسفانه در جامعه ما مغفولی دارد که جای بحث آن اینجا نیست. اما آنچه درباره استاد فقید در اینجا منظور نظر است یکی مطلق نیندیشی و سخن خود را عین کلام و نظر وحی ندانستن (عیبی که مع‌الاسف در بیشتر روحانیان ما هست و ظن خود را عین متن دین معرفی می‌کنند) و دیگری نقل سخن اصحاب علم و معرفت بشری با مأخذ و مدرک اصلی و نسبت ندادن حکمت دیگران به خود (عیبی که در بعضی روشنفکران ما هست و سخن و ادعای فیلسوفان غرب را به نام خود عرضه و تبلیغ می‌کنند) است. همچنین استاد وقتی سخن و نظری را نقل و احیاناً نقد می‌فرمودند در کمال احترام به گوینده و نویسنده آن کلام، همه وجوه مثبت و منفی آن را از دیدگاه خود عنوان می‌کردند و کمتر دیده می‌شد که به اصطلاح یک‌تنه پیش قاضی بروند و نکات مثبت آرای دیگران را نادیده بگیرند و یا به تحقیر و تخفیف آنها پردازند.

۵. طرح نظریات بدیع: استاد فرزانه حضرت آیت‌الله جعفری در بسیاری از زمینه‌های حکمت و معرفت بشری نظریات نو و بدیعی داشتند که در لابه‌لای متون و آثار بر جای مانده از ایشان به چشم می‌خورد و هر خواننده منصفی می‌تواند با مطالعه عمیق هریک از دهها اثر باقیمانده از معظم‌له موارد

متعددی از این افکار و نظریات نوین را احصا کند. نکته قابل ذکر آنکه استاد این نظریات تازه و بسیار ارزشمند را چنان ملایم و بی ادعا مطرح می‌فرمایند که گاهی انسان اصلاً متوجه نمی‌شود، که در موضوع خاص بحث با سخنی بدیع که بدین صورت هنوز در جایی عنوان نشده، روبه‌روست.

۶. تنوع آثار: از استاد فقید علامه جعفری متجاوز از یکصد جلد کتاب در بیش از پنجاه عنوان مهم دینی، اجتماعی و فلسفی بر جای مانده است که بعضی از آنها حقیقتاً صورتی دایرةالمعارف‌گونه دارند. تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی مولوی و یا شرح و تفسیر - مع‌الاسف نیمه‌تمام - نهج‌البلاغه مولای متقین امیرالمؤمنین علی (ع) آن‌چنان مشحون از نکات و مباحث حکمی، قرآنی، فقهی، اجتماعی، سیاسی، فلسفی و غیره‌اند که هر خواننده باریک‌بینی را به شگفتی وامی‌دارند.

۷. دو بال علم و تقوا: ویژگی بارز دیگر استاد فقید علامه جعفری (ره) در زمینه اوصاف علمی، توأم کردن ملکات علمی با تقوای اسلامی بود. در مقوله ضرر و زیانهای حاصل از علم بدون ایمان و معنویت زیاد گفته و نوشته شده است و حاجت به تکرار نیست، چنانکه خود استاد نیز مکرراً شاگردان خویش را از علم و هنر و... بدون تعهد بر حذر می‌داشتند. به‌زعم این قلم یکی دیگر از رازهای توفیق استاد فقید در خدمت به علم و ایمان و مملکت، همین تقوای برجسته ایشان بود که همه تلاشهای فکری و علمی حضرتشان را صبغه‌ای از اخلاص و خدمت و گوهر صالح می‌بخشید.

۸. اسلام‌شناسی: آخرین ویژگی علمی درخشان استاد جعفری که وجود شریفشان را همچون مرحوم استاد شهید مرتضی مطهری (ره) و امام خمینی (قدس سره) یگانه دوران می‌ساخت، اسلام‌شناسی عمیق و بلا معارض حضرت ایشان بود.

در دوران اخیر در هر دو ساحت حوزه و دانشگاه افرادی بوده‌اند که یک و یا چند خصیصه از اوصاف فوق‌الذکر را دارا باشند، اما به‌جهت عدم اشراف کافی به مسائل و مباحث اسلامی، اعم از علوم عقلی و نقلی قدیم و جدید، نتوانسته‌اند آن‌طور که شاید و باید از کیان مقدس اسلام و حریم اهل بیت علیهم‌السلام پاسداری کنند، و در یک کلمه زبان‌گویای دین و اسلام باشند، به‌نحوی که هیچ قول و فعل آنان نباشد که جز سخن دین و کلمه اعتلای اسلام، قرآن، سنت و عترت، و بیان موضع محکم اسلام در موضوع مورد مطالعه به حساب نیاید. درحالی‌که استاد جعفری، با پشتوانه غنی علوم حوزوی و درجه عالی اجتهاد و تسلط کامل به علوم انسانی، فلسفه، کلام و منطق روی هم رفته چنین شخصیتی بود و موضع‌گیریهای عقیدتی ایشان نوعاً موضع اسلام تلقی می‌شد. حقیقتاً باید گفت امروزه جای چنین شخصیت‌های جامع، نواندیش، و به‌معنای واقعی کلمه اسلام‌شناس در حوزه و دانشگاه خالی است.

ب - اوصاف اخلاقی

۱. شیفتگی نسبت به اهل بیت (ع): استاد علامه محمدتقی جعفری، نه در حرف و شعار، بلکه در سلوک و عمل شیفته اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام بود و همین علاقه وافر به خاندان عصمت (ع) به ایشان توفیقات و گشایشهایی عطا کرده که اهلش می‌دانند با هیچ امتیاز و مزیت دیگری قابل مقایسه نیست. آری: «لثل هذا فلیعمل العاملون»

۲. نشاط کم نظیر علمی: حضرت آیت‌الله جعفری از ابتدای جوانی تا آخرین روزهای عمر پر برکت خویش طلبه‌ای

سختکوش و دانش‌پژوهی بسیار پرروحیه و بانشاط بود، به‌نحوی که حتی در بیمارستانی در لندن که تحت عمل جراحی و مداوای بیماری صعب‌العلاج سرطان قرار گرفته بودند، در فاصله‌ی معالجات و اوقاتی که مزاجشان اجازه می‌داد به نوشتن شرح نهج‌البلاغه مشغول می‌شدند. این جانب که تقریباً همه‌ی عمر علمی و متجاوز از دو ثلث عمر طبیعی خویش را در محضر ایشان حشر و نشر داشتم، هرگز ندیدم حتی به‌هنگام مسافرت و یا اقامت‌های کوتاه‌مدت در ییلاقات تابستانی مطالعه و کار و تلاش علمی حضرتشان برهه‌ای قطع شود.

۳. زهد و ساده‌زیستی: مرحوم استاد جعفری، به‌گواهی همه‌ی فضلا و اندیشمندان و طلبه‌ها و دانشجویانی که طی سالیان متمادی خدمتشان حشر و نشر داشته‌اند، در غایت زهد و ساده‌زیستی، روزگار می‌گذراندند. هرگز به شائبه‌ی زینت و دنیا و جاذبه‌های مادی آلوده نشدند و زخارف دنیوی را برای اهل آن واگذاشتند. این جانب خود از نزدیک شاهد بودم که آن بزرگوار حتی کنگره‌ی نکوداشت خویش را واقعاً نمی‌خواستند و وقتی کسی خدمتشان گفت: آقا، عکسهای بزرگ‌کرده‌ی شما را در کوی و برزن آویخته‌اند، برآشفتمند و لب به اعتراض گشودند که: «کی گفته از بیت‌المال مسلمانان چنین ولخرجیهایی انجام بشود؟ به خدا قسم من به این کارها راضی نیستم!» سپس آفازاده‌شان توضیح دادند ده - پانزده تا عکس بیشتر نیست و آنها را هم رئیس فلان شرکت تبلیغاتی که از دوستاناران شماس، هدیه داده است. استاد قدری آرام گرفتند و هیچ نگفتند. این جانب همچنین به‌خاطر دارم در زمان رژیم گذشته عده‌ای به ایشان پیشنهاد کردند مثل مرحوم مطهری استادی دانشگاه را بپذیرند تا حین خدمت در سطح بالای علمی در دانشگاه امرار معاش ثابتی داشته باشند و هر ماه با دغدغه‌ی تأمین حوایج خانواده روبه‌رو

نباشند. استاد، علی‌رغم تأکیدات دلسوزانه‌ای که از این بابت خدمتشان می‌شد، و نیز علی‌رغم نیاز جدی که از این بابت داشتند، همواره مقاومت می‌فرمودند و تا آخر هم حاضر نشدند حقوق‌بگیر جایی بشوند و می‌گفتند بگذارید من با همین حق‌التالیف‌های ناچیز آثارم بسازم و وقتم آزاد باشد که به شما جوانها و نیازهای فکری‌تان برسم.

خاطرات

دوستان مرحوم علامه جعفری هر یک به فراخور نزدیکی با معظم‌له خاطرات متعددی از ایشان به‌خاطر دارند که در خلال سالها مؤانست به‌مناسبت از زبان آن فقیه سعید شنیده‌اند. خاطراتی چون ماجرای سفر به سمنان به دعوت علامه سمنانی و اینکه مردم شهر در ایستگاه راه‌آهن روحانی دیگری را به‌جای استاد عوضی گرفته و او را با سلام و صلوات خدمت مرحوم علامه سمنانی برده بودند. استاد جعفری این را درسی الهی برای نفس خویش داشت که زیاد به استقبال و اشتها خلق دل نبندد. و یا ماجرای دعا کردن برای آن دهاتی که گاوش مرده بود و زار زار گریه می‌کرد و بلافاصله زنده شدن و راه افتادن آن گاو و به‌تبع آن خنده‌ی توأم با گریه‌ی مرد دهاتی بود. بیشتر این خاطرات شیرین در جاهای دیگری هم نقل شده‌اند و نیازی به تکرار آنها در این مناسبت نیست. اما آنچه که خود من شاهد آن بوده‌ام و غیر از بنده کسی آن را ندیده است ماجرای ملاقات مرحوم دکتر شریعتی با ایشان بود. ماجرا از این قرار است که روزی مرحوم شریعتی از این جانب خواستند که به‌مناسبت انس دیرینه‌ای که با ایشان و نیز حضرت استاد جعفری داشتم قراری بگذارم تا به اتفاق خدمت استاد برویم. صبح جمعه‌ای را تعیین کردیم و بنده به همراه ایشان به منزل استاد در کوچه‌ی زیبای میدان خراسان

رفتیم. مرحوم شریعتی ضمن احترام زیاد به استاد و بیان اینکه ایشان را از مصادیق بارز علمای الهی و یا به قول خود روحانیان تشییع علوی می‌داند، خدمت استاد عرض کردند: آقا، کار من راه انداختن مردم و جوانهاست، آنها راه که افتادند هدف و جهت حرکت را شما باید تعیین کنید. لذا من به حضرت عالی اختیار تام می‌دهم که تک‌تک آثار بنده را ملاحظه بفرمایید و هرجایی از آنها که مخالف نظر شماست را بفرمایید تا بدهم در چاپ بعدی بکلی حذف کنند. استاد هم متقابلاً از این همه محبت و تواضع دکتر تشکر و برای ایشان دعا کردند و قول دادند به هر موردی که برخورد نمودند عیناً به اطلاع ایشان برسانند تا جرح و اصلاح کند. خاطره ناگفته دیگر هم مربوط به سخنرانی اوایل دهه ۱۳۴۰ استاد در دانشکده نفت آبادان است که این جانب ریاست انجمن اسلامی دانشجویان آنجا را بر عهده داشتم و این اولین دعوت و سخنرانی دانشگاهی استاد در مراجعت از نجف به ایران بود که تحت عنوان «طبیعت و ماورای طبیعت» ایراد کردند و آن قدر سخنرانی از لحاظ فلسفی مشکل و سطح صحبت استاد بالا بود که کمتر کسی متوجه فرمایشات ایشان شد. لذا بعد از اتمام آن، من این نکته را به طنز پشت تریبون گفتم که آن قدر سخنرانی خوب بود که هیچ کس آن را نفهمید و استاد کلی خندیدند.

در خاتمه باید عرض کنم که استاد فقید علامه محمدتقی جعفری تبریزی از نوادر روزگار و از مصادیق بارز آیه کریمه «واتقوا الله و یعلمکم الله» (سوره بقره، آیه ۲۸۱) و حدیث شریف «مداد العلماء افضل من دماء الشهداء» بودند که بی هیچ

تردید قلم و کلام شریفشان بیش از خون هر شهیدی در دهه‌های اخیر به اسلام و جمهوری اسلامی خدمت کرد. هرچند پاییز و زمستان عمر پر برکشان بسیار کوتاه بود و هنوز آن وجود عزیز می‌توانست دهها سال دیگر روشنی‌بخش محفل دوستداران علم و فضیلت و هدایتگر پویندگان راه شریعت باشد. با متجاوز از نیم قرن تعلیم و تعلم اسلامی و بر جای گذاشتن صدها عنوان کتاب، مقاله، سخنرانی و مباحثه‌ها و مصاحبه‌های خارجی و بین‌المللی، ره توشه عظیمی از خدمت علمی را برای ملت بزرگ ایران و امت کبیر اسلام بر جای نهادند که تا سالیان سال می‌تواند بر تارک میراث علمی جهان اسلام و اندیشه‌های خلاق و مثبت بزرگان جهان علم و اندیشه بدرخشد.

خدایش رحمت کند که آن علامه فقید بحق، بعد از پیر مرادش حضرت امام خمینی قدس الله سره الشریف، بزرگترین نماد پیوند حوزه و دانشگاه در عصر و نسل ما بود و به غایت مورد احترام و محبوب ارباب حوزه و اصحاب دانشگاه و همه روشنفکران و فرهیختگان این مرز و بوم. از این جهت فقدان نابهنگام آن عزیز را باید به حوزه و دانشگاه، روحانیت و جامعه فرهنگی، طلبه و دانشجو، تجار و کسبه، جوانان و دانش‌آموزان، پیران و جوانانی که پای درس و سخنرانی ایشان می‌نشستند، و بالاتر از این، به ساحت علم و اندیشه در کل جهان اسلام و عرصه تفکر بشری، تسلیت گفت. رحمت واسعة خداوند بر او و آموزگاران او و پیروان راستین راه و مرام او باشد. والسلام علی من اتبع الهدی.